

اول ماه مه، دولت و سندیکاها در ترکیه

نادر ساد

اول ماه مه در حالی فرا می رسد که اوج گیری بحران سرمایه داری در جهان، ترکیه را نیز متأثر ساخته و با بسته شدن کارخانه ها به شمار بیکاران افزوده گردیده است.

طبق برآورد های مرکز آمار ترکیه در مقایسه با سال گذشته تولید صنعتی این کشور ۲۳ درصد و تولید ماشین خودرو ۵۹ درصد کاهش داشته است. (*۱) با این وجود دولت محافظه کار - اسلامی تیب رجب اردغان بکلی منکر تأثیر پذیری ترکیه از بحران اقتصادی در جهان و منکر بیکاری رو به تزاید در این کشور است. جنبش کارگری ترکیه اما بر بستر بحران اقتصادی موجود ناچار است خواست بیکاران و شاغلینی که سطح دستمزد آنان پایین قرارداد را مورد توجه ویژه قرار دهد و خواسته های واقعی کارگران را در اول ماه مه نیز مطرح نماید.

بر بستر همین زمینه عینی نیز هست که برخی سندیکاها تلاش می کنند برای بسیج عمومی از اول ماه مه فرصتی برای بیان مطالبات کارگری فراهم نمایند. مطالباتی واقعی که بنابر ماهیت و جهت گیری سندیکاها کارگری ترکیه احتمالاً از فرمول واحدی برخوردار نیست و

روشن است برخی دیگر از اتحادیه ها که نزدیک به احزاب حاکم هستند اصولاً قادر به بیان مشکلات واقعی کارگران نیستند و نمی خواهند که نماینده ی اعتراض کارگران باشند.

بهر حال امسال برگزاری مراسم اول ماه مه در ترکیه بیش از سالهای گذشته اهمیت یافته است. از یکطرف نارضایتی کارگری رو به گسترش است و از طرف دیگر دولت ترکیه نیز در حال بررسی لایحه ایست برای برسمیت شناسی اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل (*۲). همین دو عامل تحرکات جدید سندیکایی در ترکیه را افزایش داده است .

طبیعی ایست در شرایط پیش آمده که دولت ترکیه مشغول بررسی مسئله رسمی شدن اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل گردیده و رسماً نیز خبر آن انعکاس یافته است بین سندیکاها کارگری ترکیه نیز برسر این خواست مشخص "اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل رسمی" اتفاق نظر جدی پدید آید.

اما این اتفاق نظر الزاماً بیان درک و مفهوم یکسان از اول ماه مه نیست. بمعنای دفاع یکسان از سنت انقلابی اول ماه مه و تبدیل اول ماه مه بعنوان روز گسترش مبارزه و همبستگی و انترناسیونالیسم کارگری از سوی کلیه سندیکاها و فعالین کارگری نیز نیست. بلکه بیش از هر چیز اتفاق نظر بر سررفع موانع قانونی و تعطیلی رسمی روز کارگر است.

بدنه ی چپ کارگری در سندیکاها البته که آماج تبدیل اول ماه مه به روز مبارزاتی و طرح خواسته های واقعی کارگران را همواره دنبال کرده و امسال نیز خواهند کرد اما ما می دانیم سندیکاها محافظه کاری نیز در ترکیه وجود دارند که بشدت قانونی و تابع خط و مشی سیاسی احزاب و بویژه احزاب حاکم هستند. این درست است که اینها سازمانهای

کارگری هستند و بخشهایی از طبقه کارگر را متشکل کرده اند اما ماهیتا در خدمت سیاست دولتی بوده و از محدودیت ذاتی برخوردارند و در مواردی نیز بارها گرایش ضد چپ و مخالفت شان با "حق تشکل یابی مستقل کارگران" را نشان داده اند و بهمین دلیل این اتفاق نظر پیش آمده تنها یک روی سکه است و روی دیگر آن اختلافات و تفاوت ها بین سازمانهای کارگری است که در شرایط حاد مبارزه ی طبقاتی می تواند به شکاف های عمیق تر مابین آنان بر سر مسائل اساسی تر منجر گردد و نه الزاما به اتحاد و ائتلاف بیشتر.

صد البته باید از تعطیل رسمی اول ماه مه و امکان برپایی جشن کارگری دفاع کرد و حتی برسر این خواست اساسی به ائتلاف وسیع گرایشات درون جنبش سندیکایی خوش آمد گفت اما نه تفاوت مابین سندیکاهها با تحقق این خواست از بین می رود و نه پذیرش این خواست از سوی دولت و مجلس ترکیه نشان از یک عقب نشینی جدی دولت در مقابل جنبش کارگری دارد. روشن است دولت اسلامگرای ترکیه هدف اش از تصویب این قانون و در این شرایط تشدید و اعمال کنترل نرم بر پتانسیل جنبش کارگری و تطهیر چهره خود در افکار عمومی بین المللی است . نباید فراموش کنیم که در تمامی سالهای گذشته خشونت دولتی بر علیه اول ماه مه در حالی انجام شده است که ترکیه امضاء پای قراردادهای بین المللی سازمان جهانی کار نیز گذاشته بوده است .

قتل عام کارگران ترکیه در اول ماه مه ۱۹۷۷ میدان تقسیم استانبول



In der Kazancı Yokusu werden Menschen von einem Lastwagen zerquetscht, der Mitten in einer engen Straße abgestellt ist.

در ترکیه بنابر تاریخ این کشور حتی محل برگزاری جشن اول ماه مه که همانا "میدان تقسیم" شهر استانبول است یکی از فاکتور های است که می توان میزان حمایت و

پیگیری هر سندیکا در طرح خواست تعطیل رسمی را با آن به سنجش گرفت. علاوه بر این می توان با فاکتور دفاع از "حق تشکل مستقل" و همچنین دفاع از "خواست آزادی تجمع"، میزان پیگیری و نوع گرایش سندیکاهای ترکیه را نیز محک زد. چرا که تجمع در میدان تقسیم ترکیه نزدیک به سه دهه برای کارگرانی که خواسته اند در روز اول ماه گردهم آیند، سرود انترناسیونال بخوانند و به سیاست های ضد کارگری دولت اعتراض کنند ممنوع بوده است. این میدان سنبل و یادآور کارگران جانباخته ایست که در اول ماه مه ۱۹۷۷ مورد هجوم مسلحانه شبه نظامیان دست پرورده ی سازمان سپاه قرارگرفتند و بیش از ۳۰ نفر از کارگران در جریان این حمله جان خودشان را از دست داده ، صدها نفر زخمی و ۴۵۳ نفر نیزبازداشت شده بودند(۳*). در آنروز ۵۰۰ هزار کارگر در میدان تقسیم تجمع کرده بودند و با شلیک مهاجمان جمعیت وحشت زده و در حال پراکنده شدن مجددا هدف تیراندازی گرم مهاجمان و حتی پلیس قرار گرفتند و در حالیکه پشت این واقعه ماموران سپاه صحنه گردان اصلی بودند روزنامه های رسمی "چپ های افراطی" را مسئول این جنایت معرفی نمودند و طولی نکشید که فرماندهان ارتش نیز در سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتای نظامی زدند و دیکتاتوری نظامی برقرارگردید و اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی مردود و تجمع کارگری در میدان تقسیم ممنوع گردید و ۲۸ سال بعداز کودتا همچنان ممنوع باقی مانده است. همگان تجربه ی آخرین درگیری و تهاجم پلیس به کارگران را درتظاهرات سال گذشته بیاد داریم که پلیس با همه ی امکانات خود منجمله تانک و گازاشک آور و باتوم به جنگ تظاهر کنندگان رفت و خیابانهای استانبول به صحنه ی مقاومت کارگران دربرابر خشونت سازمانیافته ی دولتی تبدیل شد.

بنابراین در حالی که سندیکاهای متمایل به چپ نه تنها خواهان رسمی شدن اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی هستند بلکه تاکید دارند که مراسم در میدان تقسیم برگزار شود اما بر عکس، سندیکاهای نزدیک به دولت معتقدند محل برگزاری مراسم رانباید پیش شرط برگزاری جشن اول ماه مه قرارداد و یا با بهانه ی اینکه اگر مراسم در میدان تقسیم برگزار شود گروههای چپ و غیر قانونی وارد این مراسم می شوند تلاش می کنند کارگران را از برگزاری مراسم در میدان تقسیم منصرف کنند.

در مورد حق تشکل یابی مستقل و حق آزادانه ی تجمع نیز فی الواقع اکثر سندیکاهای ترکیه تا کنون دفاعی نکرده و نخواهند کرد در حالیکه از هر دو این خواست فعالین کارگری چپ ترکیه دفاع کرده و همچنان نیز دفاع می کنند و همین ها بیان تفاوت های جدی درون جنبش سندیکایی ترکیه نیز هست. با همه ملاحظات فوق در آستانه برگزاری جشن اول ماه مه ۲۰۰۹ در ترکیه ما شاهد سه اتفاق قابل توجه هستیم که مجدد مورد تاکید قرار می گیرد.

- یکم اینکه، همانطور که یادآوری شد امسال دولت حاکم بر ترکیه، قصد دارد اول ماه مه را بعنوان روز تعطیل رسمی اعلام نماید و از هم اکنون بررسی لایحه ی قانونی آنرا در دستور قرار داده است.

- دوم اینکه امسال سندیکا های اروپا در ائتلافی گسترده و با یک کمین بین المللی قصد دارند برروند برپایی جشن اول ماه درترکیه نظارت نمایند.۴*

و سوم اینکه امسال این حرکت همبسته ی بین المللی بنام یک کارگر زندانی "منصور اسانلو" نام گذاری شده است.
با مرور این سه مورد در اینجا نیز توضیحاتی ضروری است .

در این حرکت و انتخاب **منصور اسانلو** آنچه لحاظ شده است اینکه **منصور اسانلو** شناخته شده ترین چهره یک فعال کارگری و کارگر زندانی ایران در سطح بین المللی و بویژه در سطح سندیکاهای ترکیه می باشد. سندیکاهای اروپایی **منصور اسانلو** را بعنوان نماد تشکل های کارگری ایران که تحت سرکوب و پیگردند انتخاب وعکس و نام آنرا بر بالای فراخوان کمپین همبستگی با کارگران ترکیه نشان کرده اند و در اول ماه مه **منصور اسانلو** و با نام او کارگران تحت سرکوب ایران را در اول ماه مه به میدان تقسیم می برند و خواست آزادی او را در میان کارگران ترکیه و در سطح افکار عمومی مطرح می کنند. ما می دانیم که پشت سر **منصور اسانلو** سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران وحومه با همه ی توش و توانش و عموم فعالین سندیکایی قراردارند و علاوه بر **منصور اسانلو** تعدادی دیگر از فعالین کارگری ایران منجمله **ابراهیم مددی** در زندان محبوس هستند و شایسته بود خواست آزادی بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی بعنوان یک خواست مشروع جنبش کارگری در این کمپین بین المللی نیز مطرح شود که نشده است و این مورد مستقیما به دست اندرکاران کمپین نیز تذکر داده شده است. اما این یادآوری بیش از ذکر انتقاد به این کمپین بین المللی متوجه فعالین کارگری ایران در داخل و خارج از کشور است. چرا که به نظر نگارنده شایسته تر بود که فعالین کارگری ایران در داخل وخارج از کشور این کمپین همبستگی با کارگران ترکیه و پیوند آنرا در این شرایط با مسائل جنبش کارگری ایران جدی گرفته و با شرکت خود به هر نحو ممکن و به ابتکار خود معرف مطالبات و خواستههای کارگران ایران باشند. تجربه ی سال گذشته و شرکت مستقیم فعالین کارگری از ایران در دادگاه محاکمه فعالین سندیکایی ترکیه یک نمونه ی درخشان بود که تاثیرات مثبت امتداد آن در بین فعالین کارگری ترکیه همچنان پایدار است . در حقیقت هیچگاه برای شروع همبستگی دیر نیست و می توان و باید صدای همبستگی کارگران ایران را در اول ماه مه به گوش کارگران ترکیه و جهان رسانید که امید چنین باد. طبیعتا خطاب این یادآوری آندسته هستند که همبستگی طبقاتی برایشان دو سوبه و متقابل و طبقاتی است، از جنبش کارگری در دیگر کشورها طلبکارنیستند و درعمل خود نیز همبستگی بین المللی متقابل را قادر به سازماندهی هستند.

در مورد دوم نیز که خواست برسمیت شناخته شدن اول ماه مه بعنوان تعطیل رسمی است می دانیم سالهاست که از سوی سندیکاهای کارگری ترکیه پیگیری می شود. امسال نیز سندیکاهای همچنان بر خواست برپایی آزادانه ی جشن اول ماه تاکید داشتند که این خواست آنان با یک **کمپین بین المللی** مورد حمایت قرار گرفت. در واقع این دولت ترکیه ناقض حقوق کار بوده است و تصمیم جدید دولت و گردن گذاشتن آن به یک لایحه ی قانونی را نباید هدیه به کارگران ترکیه تلقی نمود.

ابتکار این کمپین بین المللی از سوی سندیکای مواد خوراکی، رستورانها ومیهمان خانه ی آلمان در شهر دورتموند مطرح و بلافاصله مورد حمایت سندیکاهای وفعالین کارگری ترکیه نیزقرارگرفت. منجمله دبیرکل سندیکاهای ترکیه نظیر " ترکیس" و " دیسک" از این ابتکار نظیرسندیکاهایی از اسپانیا و ایتالیا، آمریکا وکانادا و آلمان حمایت نمودند. هدف کمپین جمع آوری ۱۰۰۰۰ نام و امضای اعتراضی به نخست وزیرترکیه و استانداراستانبول می باشد تا برپایی آزادانه ی جشن اول ماه مه در میدان تقسیم را برسمیت شناسند وقرار است از روز ۳۰ آوریل تا ۲ ماه مه ۲۰۰۹ هیأتی مرکب از ۳۰-۳۵ نفر از فعالین کارگری اروپا به استانبول سفرکنند و بر روند برپایی جشن اول ماه نظارت داشته باشند.

جالب اینکه سفراین هیات نه تنها مورد حمایت سندیکاها در ترکیه قرار گرفته است بلکه انگیزه ی نظارت آنان منشاء یک رایزنی وسیع بین سندیکاها ی کارگری در ترکیه حول برپایی مراسم اول ماه مه در ترکیه نیز شده است و از سوی دیگر نیز در این حرکت بزرگترین سندیکا ی ترکیه نظیر سندیکا ی خدمات عمومی که سندیکایی چپ گرا محسوب می گردد و سندیکا ی "ترکیس" که سندیکایی "کمالیست" می باشد و سندیکا ی " دیسک " که گرایش به سوسیال دمکراسی دارد با سندیکا ی های بین المللی نظیر "آی ، تی ، اف" و " آی تی یو سی" در هماهنگی قرار گرفته اند. همین حساسیت سندیکاها نشان از اهمیت مسئله ی اول ماه مه در ترکیه دارد.

این رایزنی بخودی خود مطرح نیست بلکه آنچه مهم است بازتاب آن در سطح جامعه، روشن شدن جهت گیریها و دامن زدن به بحث ها حول سیاست های درون جنبش کارگری دریکی از مهمترین روزها در تاریخ جنبش کارگری بین المللی است .

روزی که بر اثر برآیند نیروها و برملا شدن تضادها رقم می خورد و می تواند از تمایل عمومی این سندیکاها از " روز کار و تعطیل رسمی دولتی " عبور کند، سد ها را بشکند و نیروی اعتراض کارگری را بمیدان آورد و به سنت انقلابی اول ماه مه باز گردد و شعاع آن جنبش کارگری منطقه و جهان را گامی به پیش برد.

و بالاخره اینکه طی یکی دو ماه قبل با توجه به تبلیغات و مباحث مربوط به انتخابات منطقه و محلی در ترکیه مسئله برپایی جشن اول ماه مه ابتدا در حاشیه و بعد نیز به مجلس ترکیه نیز کشیده شد و نماینده ای از "حزب خلق" که حزب جمهوریخواهان ناسیونالیست محسوب می گردد خواستار تصویب قانون جدیدی برای اعلام اول ماه مه بعنوان یک روز تعطیل رسمی شد. عجیب اینکه این همان حزبی است که در جریان کودتای نظامی ۱۹۸۰ آتش بیار معرکه بود و هنوز حمایت های پنهان و آشکارش از کودتاچیان درازدهان باقی است و حال که در موضع اپوزیسیون قرار گرفته است "مدافع" اول ماه مه شده است. جنبش کارگری باید چنین تضادی در بالایی ها را با فشار از پایین دامن زند.

اینکه استفاده ی تبلیغاتی از اول ماه مه برای جلب آراء در انتخابات محلی یا تضادهای درونی رژیم ترکیه و مخالفت ناسیونالیست ها با دولت اسلامی حاکم منشاء این موضع گیری ها بوده است از اهمیت این موضوع نمی کاهد که خواست برپایی آزادانه ی جشن اول ماه مه بعنوان یک مسئله ی جدی در سطح جامعه ترکیه مطرح شده و باید بازهم بیشتر مطرح شود.

چنین است که اواخر ماه مارس وزیر کار ترکیه نیز اعلام کرد بررسی مسئله ی روز اول ماه مه بعنوان روز تعطیل رسمی در ترکیه دستور کار دولت قرار می گیرد تا لایحه قانونی آن بررسی شود. نتایج قطعی هنوز اعلام نشده است اما همه شواهد دال بر این است که با این روند دولت کنونی حاکم بر ترکیه ناچار خواهد شد سرانجام مقررات دیکتاتوری نظامی را بعد از ۲۸ سال کنار گذارد ویا اینکه بار دیگر در انظار جهانیان بر ماهیت سرکوبگرانه و ضد کارگربش صحنه گذارد و به جنگ خیابانی با کارگران رود.

ما می دانیم در ترکیه سندیکاها ی کارگری ترکیه متاثر از گرایشات متفاوتی هستند، اعم از ناسیونالیست ها تا اسلامی ها و سوسیال دمکراتها تا چپها و سوسیالیست ها و رادیکالها در سطوح مختلف درون سندیکاها نفوذ دارند. **مسئله ی اصلی اما این است**

که اولاً سنت انقلابی اول ماه مه در سطح جهان و همچنین ترکیه بیش از همه به چپ ها و سوسیالیست ها تعلق دارد و باید آنرا سازمان داد و گرنه خودبخود حادث نمی شود و دوما امروز در شرایطی که بحران سرمایه داری در ابعاد بین المللی روبه رشد گذاشته است و خواه ناخواه دفاع از محل کار و سطح دستمزد ها را به یک مسئله ی اساسی مبدل کرده است باید که چپ ها و سوسیالیست ها ابتکار عمل را بدست گرفته تا در اول ماه مه امسال به همراه مطالباتی نظیر "حق تشکل مستقل کارگری" و "حق آزادانه ی تجمع" نیز بازتاب گسترده یابد. عبارتی دیگر مطالبه "نان و کار" ملموس ترین مطالبه ی کارگری در ابعاد توده ای ایست و نباید از سوی چپ ها و سوسیالیست ها در مبارزه بر سر آن غفلت شود. چه گرایشات چپ و سوسیالیست تنها در حین اینکه برای دامنه ی نفوذ خود از راه شرکت مستقیم در مبارزات روزمره در بین کارگران میکوشند قادرند با گرایشات دیگر نیز که در لوای سازمانهای کارگری اما در واقع در خدمت سیاست های طبقه حاکم قراردارند مقابله کنند و ابتکار عمل را خود بدست گیرند.

بی تردید فعالین کارگری که در جنبش کارگری ترکیه برای بسیج و سازماندهی اعتراض طبقه کارگر از پایین، برای تجدید سازماندهی پایه های فعالیت کارگری و مبارزات دفاعی و طبقاتی مبارزه می کنند امسال نیز با پرچم خود به میدان خواهند آمد و از سنت انقلابی اول ماه مه دفاع خواهند کرد! برای همبستگی بین کارگران ایران و ترکیه بکوشیم.

منابع:

*۱- آرشیو روزنامه ی یونگه ولت

*۲- http://www.worldbulletin.net/news_detail.php?id=39802

*۳- <http://www.wsws.org/de/2003/mai2003/trk-m01.shtml>

*۴- http://www.ofros.com/etelayee/afish_hbosalo.pdf

عکس : قتل عام کارگران ترکیه در اول ماه مه ۱۹۷۷ میدان تقسیم استانبول